



Challenges, Opportunities, and Strategies for Improving the Implementation of Higher Education Planning: A Systematic Review

ABSTRACT (Times New Roman 12 Bold)

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Keywords:

Spatial Planning,
higher education,
geographical inequalities,
sustainable development,
systematic review

Higher education planning is a strategic approach for identifying and analyzing challenges and opportunities within the education system. Using a systematic review method and qualitative content analysis, this study examined 67 articles published between 1994 and 2004. The findings indicate that the most significant challenges include a lack of inter-sectoral coordination, ineffective policy implementation, and the neglect of regional needs—all of which have reduced the effectiveness of planning programs. Conversely, properly executed planning offers key opportunities, such as reducing geographical inequalities in educational access, promoting balanced regional development, improving educational quality, and enhancing student employability. This article proposes operational solutions to improve the implementation of planning policies, the most important of which are: strengthening inter-sectoral collaboration, fostering strategic thinking, establishing an effective monitoring and evaluation system, leveraging new technologies, and redesigning processes. Achieving the goals of higher education planning depends on adopting these solutions and conducting further applied research, which can ultimately lead to educational equity and sustainable national development.

Cite this article:

چالش‌ها، فرصت‌ها و راهکارهای بهبود اجرای آمایش آموزش عالی: مروری سیستماتیک

| اطلاعات مقاله | چکیده |
|---|--|
| <p>نوع مقاله: مقاله پژوهشی، مقاله پژوهشی</p> <p>کلیدواژه‌ها: آمایش سرزمین، آموزش عالی، نابرابری‌های جغرافیایی، توسعه پایدار، مرور سیستماتیک</p> | <p>آمایش آموزش عالی به عنوان یک رویکرد راهبردی در نظام آموزشی، به شناسایی و تحلیل چالش‌ها و فرصت‌های این حوزه می‌پردازد. این پژوهش با استفاده از روش مرور سیستماتیک و تحلیل کیفی محتوای ۶۷ مقاله منتشر شده در بازه زمانی ۱۴۰۳-۱۳۷۳ به بررسی ادبیات موضوع پرداخته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مهم‌ترین چالش‌های پیش‌رو شامل عدم هماهنگی بین‌بخشی، ضعف در اجرای سیاست‌ها و بی‌توجهی به نیازهای منطقه‌ای است که در نهایت کاهش اثربخشی برنامه‌های آمایشی را در پی داشته است. در مقابل، اجرای صحیح آمایش، فرصت‌های مهمی از جمله کاهش نابرابری‌های جغرافیایی در دسترسی به آموزش، توسعه متوازن منطقه‌ای، ارتقای کیفیت آموزشی و تقویت مهارت‌های اشتغال‌پذیری دانشجویان را فراهم می‌کند. این مقاله راهکارهای عملیاتی برای بهبود اجرای سیاست‌های آمایشی ارائه می‌دهد که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: تقویت همکاری بین‌بخشی، توسعه تفکر راهبردی، استقرار نظام نظارت و ارزیابی اثربخش، به‌کارگیری فناوری‌های نوین و مهندسی مجدد فرآیندها. تحقق اهداف آمایش آموزش عالی در گرو توجه به این راهکارها و انجام پژوهش‌های کاربردی آینده است که در نهایت، عدالت آموزشی و توسعه پایدار ملی را به ارمغان خواهد آورد.</p> |

استناد:

پایان مقاله

مقدمه

آمایش سرزمین به‌عنوان یکی از ابزارهای کلیدی در برنامه‌ریزی و مدیریت توسعه، نقش مهمی در ایجاد تعادل و هماهنگی میان منابع انسانی، جغرافیایی و اقتصادی ایفا می‌کند (Kuanysbayeva et al.; Gomez et al., 2024; Deng et al., 2025). این مفهوم، که ریشه در برنامه‌ریزی فضایی دارد، به‌طور خاص در حوزه آموزش عالی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ چراکه توزیع عادلانه فرصت‌های آموزشی و انطباق آن با نیازهای منطقه‌ای و ملی، یکی از اهداف اساسی توسعه پایدار به شمار می‌رود (Reimers, 2024؛ آفتاب‌رودباری و همکاران، ۱۳۹۷). در آمایش آموزش عالی، استقرار نظام آموزش عالی کشور مبتنی بر آمایش سرزمین و توسعه مأموریت‌گرایی آن؛ دسترسی همگانی به آموزش عالی برخوردار از کیفیت؛ بهره‌گیری از ظرفیت‌های استان‌ها و مناطق مختلف کشور در توسعه آموزش عالی و توجه به متناسب‌سازی آموزش‌ها و تربیت نیروهای متخصص با نیازهای منطقه‌ای، از جمله ملاحظات سیاست‌های آمایش آموزش عالی در کشور است (طرح آمایش آموزش عالی، ۱۳۹۴).

در سال‌های اخیر، نظام آموزش عالی ایران به‌رغم تصویب اسناد بالادستی مانند نقشه جامع علمی کشور و برنامه‌های توسعه‌ای کشور، در اجرای سیاست‌های آمایش سرزمینی با کژکارکردهای ساختاری، نهادی و فضایی متعددی روبه‌رو بوده است. شواهد موجود نشان می‌دهد که گسترش شتابان و نامتوازن مراکز آموزش عالی بدون پشتوانه آمایشی، به تمرکز شدید منابع در برخی کلان‌شهرها، ایجاد ظرفیت‌های راکد در مناطق کم‌برخوردار، افزایش نرخ بیکاری فارغ‌التحصیلان به دلیل عدم انطباق رشته‌ها با نیازهای بومی، و افت کیفیت آموزشی انجامیده است (نصراللهی و همکاران، ۱۳۹۹؛ قربانی و همکاران، ۱۳۹۹؛ آهنگچیان، ۱۳۹۱). در واقع، توازن و تعادل در گسترش مراکز آموزش عالی جلوه‌ای از اعتدال و رفع نابرابری و تبعیض‌های مکانی است (Bolay, 2005). دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی نمی‌توانند مستقل از بستر جغرافیایی و اجتماعی خود عمل کنند؛ بلکه ضروری است با برنامه‌ریزی آگاهانه، از ظرفیت‌ها و امکانات فضایی که در آن استقرار یافته‌اند بهره‌گیرند (Barnett, 2018). آمایش سرزمین در آموزش عالی شامل مجموعه‌ای از سیاست‌ها و اقدامات است که با هدف توزیع بهینه منابع آموزشی، انطباق برنامه‌های تحصیلی با نیازهای محلی و ملی و ارتقای کیفیت آموزش انجام می‌شود. این رویکرد نه تنها به توزیع عادلانه‌تر فرصت‌های آموزشی کمک می‌کند، بلکه می‌تواند نقش مهمی در توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مناطق مختلف کشور ایفا کند (عرب و همکاران، ۱۴۰۰). با وجود اهمیت بالای این موضوع، مطالعات نشان می‌دهند که اجرای سیاست‌های آمایش سرزمینی در نظام آموزش عالی ایران با چالش‌های متعددی مواجه بوده است. از جمله این چالش‌ها می‌توان به نبود هماهنگی میان نهادهای مرتبط، فقدان داده‌های دقیق برای تصمیم‌گیری و مقاومت برخی ذی‌نفعان در برابر تغییرات اشاره کرد (نقی‌زاده، ۱۳۹۸). گزارش‌های وزارت علوم، پژوهشات و فناوری (۱۴۰۲) نیز مؤید آن است که علی‌رغم تأکید بر توسعه متوازن، همچنان چالش‌هایی مانند پراکندگی جغرافیایی دانشگاه‌ها، عدم تطابق پذیرش دانشجو با نیازهای منطقه‌ای و مقاومت‌های ساختاریافته در اجرای برنامه‌های آمایشی وجود دارد و این چالش‌های به گونه‌ای نشان‌دهنده شکاف میان سیاست و عمل در برنامه‌ریزی آمایشی در نظام آموزش عالی است.

آمایش سرزمین می‌تواند به‌عنوان یک رویکرد جامع برای حل مسائل و چالش‌های موجود در نظام آموزش عالی مطرح شود. این رویکرد می‌تواند با شناسایی ظرفیت‌ها و نیازهای هر منطقه، برنامه‌ریزی مناسبی برای توزیع منابع آموزشی

فراهم کند و به ارتقای کیفیت آموزش کمک نماید (عرب و همکاران، ۱۴۰۰). آمایش سرزمین همچنین می‌تواند به ایجاد عدالت آموزشی کمک کند؛ زیرا با توجه به شرایط خاص هر منطقه، امکان طراحی برنامه‌های آموزشی متناسب با نیازهای محلی فراهم می‌شود. این موضوع نه تنها به کاهش نابرابری‌ها کمک خواهد کرد بلکه باعث افزایش رضایت اجتماعی از نظام آموزشی نیز خواهد شد. با وجود توجه ادبیات جهانی به این مفهوم، ولی شواهد حاصل از مرور ادبیات داخلی نشان می‌دهد که بیشتر مطالعات قبلی یا به ارزیابی سیاست‌های کلان آمایش در سطح اسناد پرداخته‌اند، یا صرفاً بر یکی از ابعاد آن (نظیر چالش‌ها) تمرکز کرده‌اند. از این‌رو، یک خلأ نظری و پژوهشی آشکار در عدم وجود مروری سیستماتیک که هم‌زمان سه مؤلفه اصلی چالش‌ها، فرصت‌ها و راهکارهای بهبود اجرا را در بستر خاص آموزش عالی ایران بررسی و دسته‌بندی کند، مشهود است. به عبارتی، تاکنون پژوهشی که با روشی شفاف و قابل‌بازتولید، انبوه شواهد پراکنده در این حوزه را گردآوری، ارزیابی و تلفیق کرده و چارچوبی یکپارچه برای سیاست‌گذاری ارائه دهد، انجام نشده است. این خلأ زمانی ضرورت مضاعف می‌یابد که بدانیم نظام آموزش عالی ایران در آستانه تحولاتی همچون بازنگری در سند آمایش، کاهش جمعیت دانشجویی، و افزایش انتظارات برای پاسخگویی منطقه‌ای قرار دارد. بدون شناسایی نظام‌مند موانع اجرایی (چالش‌ها)، ظرفیت‌های مغفول‌مانده (فرصت‌ها) و مداخلات اثربخش (راهکارها)، هرگونه سیاست‌گذاری در این حوزه مستعد شکاف میان نظر و عمل باقی خواهد ماند. از این منظر، نوآوری پژوهش حاضر در سه سطح تمرکز انحصاری بر بافت پیچیده و نهادمند آموزش عالی ایران و پرهیز از کلی‌گویی؛ اتخاذ روش مرور سیستماتیک که امکان فراتر رفتن از مرورهای سنتی و روایی را فراهم می‌کند؛ و ارائه دسته‌بندی منسجم از یافته‌ها ذیل سه محور چالش‌ها، فرصت‌ها و راهکارها و شناسایی شکاف‌های پژوهشی آینده قابل توجه است. بر این اساس، مسئله اصلی این پژوهش حول سه پرسش بنیادین صورت‌بندی می‌شود: نظام آموزش عالی ایران در اجرای آمایش با چه چالش‌هایی مواجه است؟ اجرای آمایش در شرایط کنونی چه فرصت‌های بومی و بین‌المللی پیش‌رو قرار می‌دهد؟ و بر اساس مرور نظام‌مند منابع، چه راهکارهایی برای بهبود اجرای آمایش آموزش عالی در ایران قابل استخراج و اولویت‌بندی است؟

ادبیات نظری

آمایش سرزمین بر مبنای نظریه‌های مختلفی مانند نظریه توسعه پایدار، نظریه عدالت اجتماعی و نظریه‌های مربوط به برنامه‌ریزی فضایی بنا شده است. این نظریه‌ها به تحلیل و تبیین ارتباط میان آمایش سرزمین و توسعه نظام آموزشی می‌پردازند و بر لزوم توجه به شرایط جغرافیایی، اقتصادی و اجتماعی در طراحی برنامه‌های آموزشی تأکید دارند (حمیدی و رزقی شیرسوار، ۱۳۸۹). در ادامه به آنها اشاره می‌شود:

آمایش سرزمین و آمایش آموزش عالی

آمایش سرزمین به‌عنوان یک راهبرد برنامه‌ریزی فضایی، به توزیع بهینه فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در سطح یک کشور یا منطقه اشاره دارد. این مفهوم برای اولین بار در دهه ۱۹۶۰ در فرانسه مطرح شد و به‌سرعت به عنوان یک ابزار مهم در برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای مورد توجه قرار گرفت (وحیدی، ۱۳۷۳). آمایش سرزمین بر این اصل استوار است که منابع و امکانات باید به‌گونه‌ای توزیع شوند که به توسعه متوازن و پایدار مناطق مختلف کمک کند (قربانی و همکاران، ۱۳۹۹). در حوزه آموزش عالی، آمایش سرزمین به معنای توزیع عادلانه‌تر مراکز آموزشی و پژوهشی در سطح کشور است. این رویکرد نه تنها به بهبود دسترسی به آموزش عالی در مناطق محروم کمک می‌کند، بلکه

می‌تواند به افزایش کیفیت آموزش، کاهش مهاجرت تحصیلی و تقویت ارتباط بین دانشگاه‌ها و صنعت نیز منجر شود (نقی‌زاده، ۱۳۹۸؛ عرب و همکاران، ۱۴۰۰).

نظریه توسعه پایدار و آمایش آموزش عالی

توسعه پایدار به معنای تأمین نیازهای حال بدون به خطر انداختن توانایی نسل‌های آینده برای تأمین نیازهای خود است. این نظریه بر لزوم توجه به ابعاد اقتصادی، اجتماعی و محیطی در برنامه‌ریزی‌ها تأکید دارد. یونسکو (۲۰۲۱)، آموزش را یکی از ارکان اصلی توسعه پایدار می‌داند و نهادهای آموزشی باید نقش آفرینی فعال در محقق ساختن اهداف توسعه پایدار ایفا کنند. از این رو، آمایش بهینه مراکز آموزش عالی می‌تواند به افزایش دسترسی به آموزش با کیفیت بهبود مهارت‌های اجتماعی و اقتصادی در جوامع مختلف منجر شود. همچنین در زمینه آموزش عالی، توسعه پایدار می‌تواند به طراحی برنامه‌های آموزشی کمک کند که نه تنها به نیازهای امروز پاسخ دهند بلکه قابلیت انطباق با تغییرات آینده را نیز داشته باشند (عرب و همکاران، ۱۴۰۰). این چارچوب نظری، مستلزم بازتعریف کارکردهای نظام آموزش عالی از نهادی صرفاً توسعه‌دهنده سرمایه انسانی به نهادی مسئول در قبال تحولات اجتماعی-اکولوژیک است (Priyadarshini & Abhilash et al., 2022). در چنین بستری، مفهوم آمایش آموزش عالی به‌مثابه فرایندی نظام‌مند و آینده‌نگر برای توزیع فضایی، موضوعی و کارکردی فرصت‌ها و ظرفیت‌های آموزشی در راستای تحقق اهداف توسعه پایدار معنا می‌یابد (Fischer et al., 2015). این رویکرد ایجاب می‌کند که برنامه‌ریزی توسعه دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی، نه تنها پاسخگوی نیازهای فوری بازار کار و تقاضای اجتماعی باشد، بلکه ظرفیت‌سازی برای تاب‌آوری جوامع در مواجهه با چالش‌های آینده را نیز مد نظر قرار دهد (Ui Hassan et al., 2025). آمایش آموزش عالی پایدار، مستلزم تحول در سه سطح کلان (سیاست‌گذاری و حکمرانی)، میانی (ساختار نهادی و مدیریت دانشگاه) و خرد (برنامه‌های درسی و روش‌های یاددهی-یادگیری) است تا بتواند به هدف غایی خود یعنی آینده‌پذیری نظام آموزش عالی نائل آید.

نظریه عدالت آموزشی و آمایش آموزش عالی

عدالت آموزشی به معنای فراهم آوردن فرصت‌های برابر برای دسترسی به آموزش با کیفیت برای همه افراد، بدون توجه به موقعیت جغرافیایی، اقتصادی، یا اجتماعی آن‌ها است (نجاری و حسنی، ۱۳۹۹). این نظریه به چارچوبی چندبعدی برای تحلیل نابرابری‌های سیستمی در نظام‌های آموزش عالی تبدیل شده است که بر اساس آن، تحقق عدالت صرفاً به برابری در دسترسی فیزیکی به مؤسسات دانشگاهی محدود نمی‌شود، بلکه مستلزم بازتوزیع عادلانه منابع کیفی، به رسمیت‌شناسی تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی، و تضمین مشارکت مؤثر همه گروه‌ها در فرایندهای تصمیم‌گیری نهادی است (Ayeni et al., 2024). آمایش عادلانه آموزش عالی مستلزم طراحی سیاست‌هایی است که ضمن توجه به پراکندگی جغرافیایی دانشگاه‌ها، به ایجاد نهادهای فراگیر، بازتعریف برنامه‌های درسی مبتنی بر شناخت تنوع فرهنگی، و تضمین کیفیت همگون آموزش در سراسر کشور بپردازد. تحقق عدالت آموزشی در گرو بازآرایی فضایی-کارکردی نظام آموزش عالی به نحوی است که امکان شکوفایی استعدادها، صرف نظر از موقعیت جغرافیایی و پایگاه اجتماعی-اقتصادی دانشجویان، فراهم آید. در این راستا، آمایش آموزش عالی می‌تواند به کاهش نابرابری‌های آموزشی کمک کند. با توزیع عادلانه‌تر امکانات آموزشی در سطح کشور، مناطق محروم و کمتر توسعه‌یافته نیز می‌توانند از فرصت‌های آموزشی با کیفیت برخوردار شوند (عرب و همکاران، ۱۴۰۰). مطالعات نشان می‌دهند که اجرای سیاست‌های آمایشی

می‌تواند به کاهش شکاف آموزشی بین مناطق مختلف کمک کند. به‌ویژه در مناطق محروم، ایجاد مراکز آموزشی جدید و تقویت امکانات موجود منجر به افزایش دسترسی به آموزش عالی شده است (نجاری و حسنی، ۱۳۹۹؛ ایران‌دوست و سلیمانی، ۱۳۹۸).

چارچوب مفهومی پژوهش

از منظر نظریه عدالت فضایی (Soja, 2010)، چالش‌های آمایش آموزش عالی ریشه در توزیع نابرابر منابع و تمرکزگرایی دارد که به بازتولید نابرابری‌های جغرافیایی و محدودیت دسترسی عادلانه به فرصت‌های آموزشی می‌انجامد. در این میان، تمرکزگرایی به‌عنوان یکی از موانع اصلی، مانع از پاسخگویی نظام آموزش عالی به نیازهای متنوع مناطق مختلف می‌شود و برنامه‌ریزی متمرکز را به جای راهکارهای بومی و محلی در نظر می‌گیرد (Davoudi & Pendlebury, 2010). نظریه شکاف‌های توسعه (Friedman, 1960) نیز این وضعیت را ناشی از رویکردهای بخشی‌نگر و کمی‌گرا می‌داند که به جای توجه به کیفیت و تناسب منطقه‌ای، صرفاً بر توسعه کمی و یکنواخت تأکید دارند. در مقابل، ظرفیت‌های آمایش آموزش عالی فرصتی برای بازتعریف نقش دانشگاه‌ها در توسعه منطقه‌ای فراهم می‌آورد. بر اساس نظریه نوآوری منطقه‌ای (Asheim & Gertler, 2005)، دانشگاه‌ها می‌توانند به‌عنوان موتورهای محرک اقتصادی و اجتماعی عمل کرده و با بومی‌گزینی فعالیت‌های خود، تمرکززدایی را تسریع بخشند. مدل ماریچ سه‌گانه (Etzkowitz & Leydesdorff, 2000) نیز تعامل دانشگاه، صنعت و دولت را برای نوآوری و توسعه منطقه‌ای ضروری می‌داند. در همین راستا، نظریه توسعه پایدار مبتنی بر دانش بر خلق و اشاعه نوآوری‌های بومی با بهره‌گیری از مزیت‌های منطقه‌ای تأکید دارد (Chatterton & Goddard, 2013). این دیدگاه، دانشگاه را نه فقط یک نهاد آموزشی، بلکه کانونی برای تقویت تعاملات بین‌نهادی و رقابت‌پذیری منطقه‌ای می‌داند.

این چارچوب نظری با تکیه بر نظریه‌های عدالت فضایی، نوآوری منطقه‌ای و حکمرانی چندسطحی، به پرسش‌های پژوهش درباره چالش‌ها، فرصت‌ها و راهکارهای آمایش آموزش عالی پاسخ می‌دهد. خلأهایی مانند نبود ارزیابی‌های بلندمدت و کمبود راهکارهای مبتنی بر فناوری‌های نوین برجسته شده و ضرورت بازنگری سیاست‌های آمایش برای تحقق توسعه پایدار و عدالت آموزشی تأکید شده است. این پژوهش به‌عنوان پایه‌ای برای رفع این خلأها توجیه‌پذیر است.

پیشینه پژوهش

| نویسنده (سال) | عنوان پژوهش | یافته‌های اصلی |
|--------------------------|--|--|
| ثمری و گرائی‌نژاد (۱۳۹۲) | نگاهی به جایگاه مفهومی آمایش آموزش عالی در آمایش سرزمین | ابهام مفهومی میان مفاهیم توسعه، آمایش سرزمین و آمایش آموزش عالی؛ عدم تعامل میان متولیان و کمبود مبانی نظری منجر به توزیع نامتوازن دانشگاه‌ها |
| فروتنی و بحرانی (۱۴۰۳) | تبیین و تحلیل کیفیت آمایش آموزش عالی از منظر امام خامنه‌ای | تأکید بر مهارت‌محوری، مسئله‌محوری، تولید علم نافع و مرجعیت علمی؛ فاصله‌گیری از رویکردهای صرفاً کمی |

| | | |
|---|---|-----------------------------|
| فقدان مبانی نظری عمیق و زیرساخت‌های نهادی؛ ضعف نظریه‌پردازی، بخشی‌نگری، مشکلات مدیریتی و سیاسی، عدم مشارکت نخبگان | آسیب‌شناسی آمایش آموزش عالی ایران | مهرعلیزاده و همکاران (۱۳۹۱) |
| گسست نظری و عملی میان آمایش و سیاست‌های کلان علم و فناوری؛ بوروکراسی متمرکز، ضعف سرمایه انسانی، نبود راهبردهای شفاف | آمایش آموزش عالی و سیاست‌های توسعه علم و فناوری کشور: تحلیل گسست | آهنچیان (۱۳۹۱) |
| مهم‌ترین آسیب‌ها: تغییر رویکرد مطالعات، مسائل فرهنگی، بخشی‌نگری، کمی‌گرایی، تمرکزگرایی، تأثیرپذیری از جریان‌های سیاسی، فقدان چارچوب عملی | آسیب‌شناسی آمایش آموزش عالی در ایران؛ اولین گام حکمرانی منطقه‌ای | قرونه و همکاران (۱۳۹۸) |
| کاهش چشمگیر دانشجویان علوم پایه، توزیع نامناسب دانشجویان و هیأت علمی، نسبت نامطلوب استاد به دانشجو، عدم باور مجریان به سند | بررسی طرح آمایش آموزش عالی با تأکید بر آسیب‌شناسی گروه آموزشی علوم پایه | شعبانی (۱۴۰۰) |
| گسترش آموزش عالی به توسعه زیرساخت‌های استانی کمک کرده، اما به دلیل نبود برنامه‌ریزی آمایشی، کارکرد دانشگاه‌ها با نیازهای اقتصادی (کشاورزی) هماهنگ نیست | آمایش آموزش عالی در پهنه جغرافیایی کشور | بوذری (۱۳۹۵) |
| شناسایی نقاط قوت (صنایع مادر)، ضعف‌ها (توزیع نامتوازن دانشجویان)، فرصت‌ها و تهدیدها با مدل SWOT؛ ضعف پیوند دانشگاه با نیازهای منطقه‌ای | برنامه‌ریزی مبتنی بر آمایش در آموزش عالی: الزام‌ها، چالش‌ها، چشم‌اندازها (مطالعه موردی: اصفهان) | نیلی (۱۳۹۲) |
| مراکز آموزش عالی در کاهش شکاف فرهنگ شهروندی تأثیر معنادار دارند، اما این تأثیر در منطقه برخوردار قوی‌تر است؛ ضرورت توزیع متعادل برای کاهش نابرابری‌های فرهنگی | تحلیل عملکرد فضایی مراکز آموزش عالی در توسعه پایدار فرهنگ شهری (مناطق ۳ و ۱۹ تهران) | موسی‌کاظمی و همکاران (۱۳۹۲) |
| تحلیل توزیع فضایی دانشجویان پیام نور؛ تأکید بر ادغام واحدهای کوچک و تجمیع مراکز با رویکرد آمایش | آمایش مراکز دانشگاهی الگویی برای توسعه شهری خالق (میاندوآب و شاهین‌دژ) | سلیمانی (۱۳۹۹) |
| شناسایی شش عامل مؤثر بر مکان‌یابی: محیطی، دسترسی، امکانات، طبیعی، فرهنگی-اجتماعی و اقتصادی؛ مهم‌ترین مؤلفه‌ها شامل امنیت، دسترسی آسان، فضای سبز و ارزش زمین | شناسایی عوامل آمایشی مؤثر بر مکان‌یابی واحدهای دانشگاه (مطالعه موردی: دانشگاه فرهنگیان) | ابراهیمی و همکاران (۱۴۰۳) |
| تدوین سند آمایش سلامت با تقسیم کشور به ۱۰ کلان منطقه؛ تمرکز امکانات در تهران و کمبود در مناطق ۲، ۴، ۶ و ۸؛ تأکید بر بومی‌گزینی، تمرکززدایی و عدالت‌محوری | آمایش سرزمینی آموزش عالی سلامت در جمهوری اسلامی ایران | نسل سراجی و همکاران (۱۳۹۶) |
| ارائه چهار دسته راهکار: ساختاری (همگون‌سازی مناطق)، قانونی (الزام به مدل منطقه‌ای)، درون‌نهادی (دسته‌بندی دانشگاه‌ها) و مالی (اصلاح بودجه‌ریزی) | بررسی راهکارهای عملیاتی‌سازی مدیریت منطقه‌ای در سند آمایش آموزش عالی | نقی‌زاده (۱۳۹۸) |

| | | |
|---------------------------|---|--|
| عرب و همکاران (۱۴۰۰) | تأثیر آمایش سرزمینی با رویکرد آموزش عالی سلامت بر توسعه پایدار و عدالت آموزشی (کلان منطقه یک) | رابطه مثبت و معنادار آمایش با توسعه پایدار و عدالت آموزشی؛ بیشترین نقش مربوط به نهادینه‌سازی خلاقیت و نوآوری |
| عابدی و همکاران (۱۳۹۸) | ریفرم آمایش سرزمینی، تحول و نوآوری آموزش عالی سلامت در ایران | تدوین ۱۲ سیاست کلی و ۱۱ بسته تحول؛ تعامل هدفمند دانشگاه‌های کلان مناطق؛ تأمین منابع و مشارکت اعضای هیأت علمی از عوامل کلیدی موفقیت |
| ملک‌زاده و همکاران (۱۳۹۶) | روند استقرار آمایش سرزمینی و تحول و نوآوری آموزش عالی سلامت در ایران | تقسیم کشور به ۱۰ کلان منطقه و تفویض اختیارات؛ موفقیت بسته‌های اعتباربخشی و ارتقای آزمون‌ها؛ نیاز به برنامه‌ریزی بهتر برای دانشگاه‌های نسل سوم و آموزش پاسخگو |
| کاظمی و همکاران (۱۳۹۸) | بررسی و تبیین میزان موفقیت اجرای سند آمایش سرزمینی آموزش عالی سلامت | کمترین موفقیت در تمرکززدایی و بیشترین در جلوگیری از فعالیت‌های تکراری؛ چالش‌هایی چون عدم تفویض اختیارات و کمبود اعتبارات؛ نیاز به بازبینی سند |
| قربانی و همکاران (۱۳۹۹) | تحلیل برهم‌کنش کارکرد آموزش عالی و صنعت در ایران از منظر آمایش سرزمین | همبستگی فضایی قوی میان آموزش عالی و صنعت؛ ۹ استان کمتر توسعه‌یافته به دلیل کمبود زیرساخت‌های آموزش عالی، رشد صنعتی ناچیزی داشته‌اند |
| ذاکرسالحي (۱۴۰۰) | شهرهای دانش، شهرهای دانشگاهی و مطالعات آمایش سرزمین | شهرهای دانشگاهی ایران فقط در بعد کمی رشد کرده و فاقد ویژگی‌های اجتماعی-فرهنگی هستند؛ ناشی از بی‌توجهی به اصول آمایش و تقاضای اجتماعی مهارنشده |
| بختیاری و همکاران (۱۳۹۸) | بکارگیری روش علم‌سنجی در راستای آمایش آموزش عالی برای توسعه کارآفرینی دانشگاهی | حوزه پژوهشی پیوند آمایش و کارآفرینی دانشگاهی دارای خلأ تحقیقاتی است و مطالعات اندکی به ارتباط آنها پرداخته‌اند |

روش‌شناسی پژوهش

روش تحقیقی که برای پاسخ به سوال‌های پژوهش، انتخاب شد، مرور سیستماتیک متون (SLR) است. مرور سیستماتیک یک روش پژوهشی ساختاریافته و نظام‌مند است که به جمع‌آوری، تحلیل و ترکیب مطالعات موجود در یک حوزه خاص می‌پردازد. این روش به دلیل دقت و جامعیت در بررسی ادبیات موضوع، به‌ویژه در حوزه‌های پیچیده و چندبعدی مانند آمایش آموزش عالی، بسیار مناسب است. مرور سیستماتیک به‌عنوان یک روش پژوهشی، به دنبال پاسخ‌گویی به سوالات خاصی است که از طریق جمع‌آوری و تحلیل مطالعات موجود در یک حوزه مشخص انجام می‌شود. به دلیل استفاده از معیارهای شفاف و دقیق برای انتخاب و ارزیابی مطالعات، این روش از اعتبار علمی بالایی برخوردار است (هیگینز و گرین، ۲۰۱۱). مرور سیستماتیک نه تنها به شناسایی شکاف‌های پژوهشی کمک می‌کند،

¹ Systematic literature review

² Higgins & Green

بلکه می‌تواند به سیاست‌گذاران و محققان در تصمیم‌گیری‌های مبتنی بر شواهد کمک کند (پتیکرو و رابرتس، ۲۰۰۶). در همین راستا، ابتدا سوالات پژوهشی مشخص شده و سپس مقالات مرتبط از پایگاه‌های داده معتبر جمع‌آوری گردید. معیارهای غربالگری برای انتخاب مقالات شامل کیفیت پژوهش، اعتبار منابع و ارتباط با موضوع آمایش سرزمین در آموزش عالی بود.

جامعه آماری این تحقیق شامل مقالات علمی فارسی منتشر شده در حوزه آمایش سرزمین در آموزش عالی است. به منظور تضمین پایایی پژوهش حاضر که با روش مرور سیستماتیک انجام شده است، فرایند جستجو، غربالگری و تحلیل مقالات با رعایت حداکثر معیارهای عینیت و تکرارپذیری صورت گرفت. بدین منظور، جستجوی نظام‌مند در پایگاه‌های معتبر علمی جهاد دانشگاهی^۱، پایگاه مجلات تخصصی نور^۲، پرتال جامع علوم انسانی^۳، بانک اطلاعات نشریات کشور^۴ و موسسه استنادی و پایش علم و فناوری جهان اسلام طی سال‌های ۱۳۷۳ تا ۱۴۰۳ استفاده شده است. فرایند انتخاب و ارزیابی کیفیت مطالعات توسط دو پژوهشگر به صورت مستقل انجام شد و موارد اختلاف با مشارکت پژوهشگران حل گردید. همچنین، برای افزایش پایایی، از چک‌لیست استاندارد پریزما برای گزارش‌دهی و از ابزارهای ارزیابی کیفیت متناسب با طرح هر مطالعه استفاده شد. روش نمونه‌گیری نیز به روش هدفمند بوده که در آن واحدهای پژوهش (مقالات) با توجه به هدف پژوهش انتخاب می‌شوند. تمرکز این مطالعه بر مقالات داخلی به دلیل ماهیت وابسته به بستر آمایش آموزش عالی است که تحت تأثیر سیاست‌ها، قوانین و ساختارهای خاص هر کشور قرار دارد. همچنین، تفاوت‌های چشم‌گیر در نظام‌های آموزش عالی و اولویت‌های آمایشی میان ایران و سایر کشورها، مقایسه‌پذیری را با پژوهش‌های خارجی دشوار می‌سازد.

استراتژی جستجوی مورد استفاده در این بررسی سیستماتیک در شکل ۱، مطابق با دستورالعمل‌های پریزما^۵ نشان داده شده است. برای جستجوی مطالعات انجام شده در این حوزه از اصطلاحات یا کلیدواژه‌هایی مرتبط با آمایش آموزش عالی استفاده شد که بتواند به طور جامع کلیه مطالعات مرتبط را استخراج کند. این کلیدواژه‌ها که از مرور ادبیات پژوهش و نظرات اساتید استخراج شدند شامل ترکیب آمایش با آموزش، آموزش عالی و دانشگاه بود. همچنین ترکیب برنامه‌ریزی فضایی با آموزش، آموزش عالی و دانشگاه از دیگر کلیدواژه‌های مورد استفاده بود. مقالات واجد معیارهای ورود (شامل تمرکز بر آمایش آموزش عالی و برنامه‌ریزی فضایی آموزش عالی، استفاده از روش‌های پژوهشی دقیق، دسترسی به متن کامل و انتشار در مجلات علمی-پژوهشی) انتخاب شدند. در نتیجه این جستجو و محدودیت‌ها در فیلترهای جستجوی پیشرفته در پایگاه داده‌های موردنظر، ۳۰۶۵ مقاله یافت شد. ۱۵ مقاله هم از منابع دیگر (سایت مجلات مرتبط با حوزه آمایش و آموزش عالی) به دست آمد. فرایند انتخاب مقالات به صورت دو مرحله‌ای انجام شد. در مرحله اول، عناوین و چکیده‌های تمامی مطالعات جمع‌آوری شده بررسی شدند تا مطالعات مرتبط شناسایی شوند.

¹ Petticrew & Roberts

² www.sid.ir

³ www.noormags.ir

⁴ www.ensani.ir

⁵ www.magiran.com

⁶ www.lsc.ac

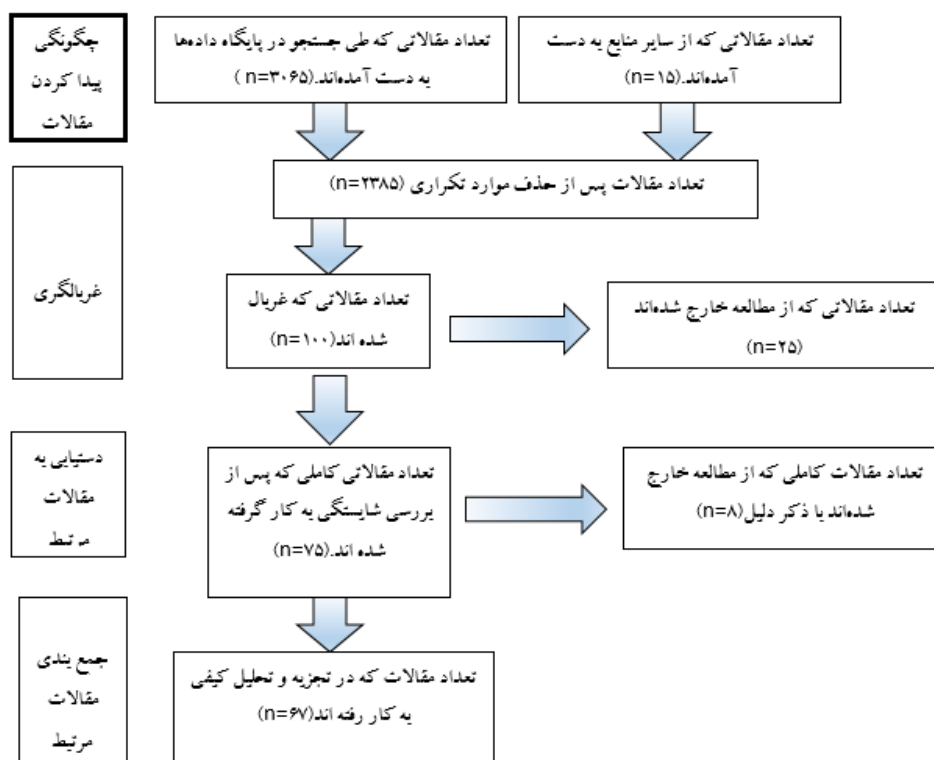
⁷ PRISMA

در مرحله دوم، مطالعاتی که معیارهای ورود را داشتند، به‌طور کامل مطالعه شدند تا از تناسب آن‌ها با اهداف پژوهش اطمینان حاصل شود.

در نهایت با حذف ۶۹۵ مقاله تکراری تعداد نتایج به ۲۳۸۵ مقاله رسید. این نتایج به تفکیک کلیدواژه و پایگاه‌ها در جدول ۱ آورده شده است. در ادامه، غربال رکوردهای اولیه توسط محقق انجام شد و مقالاتی که محتوایشان با موضوع موردنظر ارتباطی نداشت و یا فایل کامل مقاله در دسترس نبود حذف شدند. این غربال نهایی باعث شد تا تعداد مقالات به ۷۵ برسد، اما در نهایت ۶۷ مقاله به عنوان نمونه نهایی برای تحلیل کیفی برای مرور نظام‌مند انتخاب شدند. از هر مطالعه، اطلاعات کلیدی شامل نویسندگان، سال انتشار، روش‌شناسی، یافته‌های اصلی استخراج شد. این اطلاعات در یک جدول خلاصه‌سازی شد تا امکان مقایسه و تحلیل آن‌ها فراهم شود. برای تحلیل کیفی داده‌های استخراج‌شده از روش تحلیل مضمون استفاده شد. در ادامه نتایج جستجوی اولیه در جدول ۱ به تفکیک کلیدواژه و پایگاه علمی آورده شده است:

جدول ۱: پایگاه داده‌ها مأخذ: محاسبات پژوهش

| کلیدواژه | SID | magiran | جامع علوم انسانی | ISC | noormags |
|--------------------------------|-----|---------|------------------|-----|----------|
| آمایش + آموزش عالی | ۱۳ | ۸۷ | ۳۳ | ۸۲ | ۹۲ |
| آمایش + آموزش | ۱۵ | ۲۰۸ | ۶۳ | ۳۰۱ | ۲۹۳ |
| آمایش + دانشگاه | ۲ | ۱۵۴ | ۳۴ | ۷ | ۲۷۷ |
| برنامه‌ریزی فضایی + آموزش عالی | ۱ | ۱۹ | ۱۲ | ۴۳ | ۹۳ |
| برنامه‌ریزی فضایی + آموزش | ۱ | ۲۰۵ | ۵۹ | ۱۱۸ | ۱۵۴ |
| برنامه‌ریزی فضایی + دانشگاه | ۰ | ۸۸ | ۳۰ | ۳۸ | ۵۴۳ |
| جمع | ۳۲ | ۷۶۱ | ۲۳۱ | ۵۸۹ | ۱۴۵۲ |
| جمع کل | | | ۳۰۶۵ | | |



شکل ۱: نمودار پریزما (مأخذ: محاسبات پژوهش)

یافته‌های پژوهش

تحلیل داده‌های استخراج شده از مقالات با هدف شناسایی و بررسی چالش‌های آمایش آموزش عالی، تأثیرات آن بر نظام آموزش عالی و همچنین راهکارهای بهبود اجرای آن به روش تحلیل مضمون انجام شده است. در مرحله اول، متن ۶۷ مقاله انتخاب شده به دقت مطالعه شد تا محقق با محتوای کلی و جزئیات آن آشنا شود. در مرحله کدگذاری، متن به بخش‌های کوچک‌تر تقسیم شد و کدهای اولیه (کدهای باز) از داده‌ها استخراج شدند. در این مرحله، ۶۲ کد باز شناسایی شد پس از کدگذاری، ۱۲ مقوله فرعی سازمان‌دهی شدند که نمایانگر ابعاد مختلف آمایش آموزش عالی بودند. این مقولات شامل عدم هماهنگی بین بخش‌ها، ضعف در اجرای سیاست‌ها، عدم توجه به نیازهای منطقه‌ای، کاهش نابرابری‌های جغرافیایی، توسعه متوازن مناطق، بهبود کیفیت آموزش، ارتقای مهارت‌های شغلی، تقویت همکاری بین‌بخشی، توسعه تفکر راهبردی، تقویت نظارت و ارزیابی، استفاده از فناوری‌های نوین و مهندسی مجدد فرآیندها بودند. در نهایت، مقولات استخراج شده در قالب ۳ مقوله کلی دسته‌بندی شدند: چالش‌های اجرای آمایش آموزش عالی، فرصت‌های اجرای آمایش آموزش عالی و راهکارهای بهبود اجرای سیاست‌های آمایش آموزش عالی. در جدول زیر مفاهیم، مقوله‌های فرعی و مقوله‌های اصلی احصاء شده از مقالات ارائه می‌شود:

جدول ۲- کدگذاری باز و محوری چالش‌ها، فرصت‌ها و راهکارهای آمایش آموزش عالی (مأخذ: نتایج پژوهش)

| مفاهیم (کدهای باز) | مقوله فرعی (کدهای محوری) | مقوله اصلی (کدهای انتخابی) |
|--|------------------------------|---------------------------------------|
| ناهماهنگی بین وزارتخانه‌ها و نهادهای مرتبط، تداخل وظایف دستگاه‌ها، نبود ساختار مشخص برای تصمیم‌گیری منطقه‌ای، ضعف در ارتباط بین دانشگاه‌ها و صنعت، جزیره‌ای عمل کردن دستگاه‌های اجرایی، موازی‌کاری در سیاست‌گذاری‌ها | عدم هماهنگی بین بخش‌ها | |
| عدم التزام به اسناد بالادستی، نبود ضمانت اجرایی در سیاست‌ها، تغییرات مدیریتی پی‌درپی، تصمیم‌گیری‌های کوتاه‌مدت، ضعف در برنامه‌ریزی عملیاتی، کمبود منابع مالی و انسانی برای اجرای برنامه‌ها | ضعف در اجرای سیاست‌ها | چالش‌های آمایش آموزش عالی |
| برنامه‌ریزی متمرکز و غیرمنعطف، بی‌توجهی به ویژگی‌های بومی و اقتصادی مناطق، تخصیص نامتوازن ظرفیت پذیرش دانشجو، تمرکز دانشگاه‌ها در کلان‌شهرها، ضعف در مطالعات میدانی منطقه‌ای، فاصله بین نیاز بازار کار و برنامه‌های آموزشی | عدم توجه به نیازهای منطقه‌ای | |
| توزیع عادلانه فرصت‌های آموزشی، دسترسی مناطق محروم به دانشگاه‌ها، افزایش عدالت آموزشی، تمرکززدایی از پایتخت، گسترش مراکز آموزش عالی در مناطق کمتر توسعه‌یافته | کاهش نابرابری‌های جغرافیایی | |
| هم‌راستسازی توسعه علمی با ظرفیت‌های محلی، تقویت اقتصاد منطقه‌ای از طریق دانشگاه‌ها، ایجاد قطب‌های علمی منطقه‌ای، هم‌افزایی بین دانشگاه و صنعت در سطح استان‌ها | توسعه متوازن مناطق | فرصت‌های آمایش آموزش عالی |
| تمرکز بر کیفیت به جای کمیت، تخصص‌گرایی دانشگاه‌ها، به‌روزرسانی برنامه‌های درسی، ارزیابی مستمر عملکرد مؤسسات، ارتقای صلاحیت اعضای هیئت علمی | بهبود کیفیت آموزش | |
| پیوند آموزش با نیاز بازار کار، ترویج آموزش‌های مهارتی، ایجاد فرصت‌های کارآموزی، توسعه مهارت‌های کارآفرینی، ارتقای توان اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان | ارتقای مهارت‌های شغلی | |
| تشکیل کارگروه‌های بین‌وزارتی، تعامل دانشگاه‌ها با نهادهای توسعه‌ای، هماهنگی بین وزارت علوم و بهداشت، نهادینه‌سازی همکاری بین دانشگاه‌ها و بخش خصوصی، ایجاد شبکه‌های منطقه‌ای آموزش عالی | تقویت همکاری بین‌بخشی | |
| تدوین برنامه‌های بلندمدت مبتنی بر آینده‌پژوهی، ترویج نگرش سیستمی در مدیریت آموزش عالی، تصمیم‌گیری مبتنی بر شواهد، تحلیل داده‌های منطقه‌ای برای سیاست‌گذاری، تقویت مطالعات آینده‌نگر در حوزه آموزش | توسعه تفکر راهبردی | راهکارهای بهبود اجرای سیاست‌های آمایش |
| طراحی نظام پایش عملکرد دانشگاه‌ها، ارزیابی مستمر اجرای سند آمایش، استفاده از شاخص‌های کیفی و کمی، شفاف‌سازی گزارش‌های عملکرد، پاسخ‌گویی مدیران استانی | تقویت نظارت و ارزیابی | |

| مفاهیم (کدهای باز) | مقوله فرعی (کدهای محوری) | مقوله اصلی (کدهای انتخابی) |
|---|----------------------------|----------------------------|
| به‌کارگیری سامانه‌های داده‌محور در سیاست‌گذاری، ایجاد بانک اطلاعات آمایش آموزش عالی، توسعه آموزش مجازی و ترکیبی، بهره‌گیری از GIS برای تصمیم‌گیری مکانی، هوشمندسازی نظام آموزش عالی | استفاده از فناوری‌های نوین | |
| بازطراحی ساختار اداری دانشگاه‌ها، حذف فرآیندهای زائد، تفویض اختیار به سطوح منطقه‌ای، بازنگری در چارت سازمانی ستاد آمایش، ساده‌سازی مسیر تصمیم‌گیری و اجرا | مهندسی مجدد فرآیندها | |

آمایش آموزش عالی به‌عنوان یک رویکرد راهبردی در نظام آموزشی، شامل مجموعه‌ای از چالش‌ها، فرصت‌ها و راهکارهایی است که به بهبود کیفیت و دسترسی به آموزش در سطوح مختلف کمک می‌کند. در ادامه، مهم‌ترین مقوله‌ها و مفاهیم شناسایی شده در این حوزه مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۱- چالش‌های اجرای آمایش آموزش عالی

تحلیل یافته‌ها نشان می‌دهد که اجرای آمایش آموزش عالی در ایران با مجموعه‌ای از چالش‌های ساختاری، مدیریتی و محتوایی روبه‌رو است که تحقق اهداف این سیاست را با موانع جدی مواجه کرده است. یکی از مهم‌ترین چالش‌ها، عدم هماهنگی بین بخش‌های مختلف نظام آموزش عالی و نهادهای مرتبط است. سیاست‌گذاری‌های جزیره‌ای، تداخل وظایف میان وزارت علوم، وزارت بهداشت و سایر سازمان‌های توسعه‌ای، و فقدان سازوکارهای ارتباطی منسجم، از عوامل اصلی بروز ناهماهنگی در تصمیم‌گیری‌ها و اجرای سیاست‌ها به‌شمار می‌روند. این مسئله موجب شده است که برخی تصمیم‌ها به‌صورت پراکنده، متناقض یا موازی اتخاذ شوند و در نتیجه اثربخشی برنامه‌های آمایشی کاهش یابد.

دومین چالش مهم، ضعف در اجرای سیاست‌ها و نبود ضمانت اجرایی برای اسناد آمایش آموزش عالی است. بسیاری از سیاست‌های تدوین شده در سطح ملی، به‌دلیل فقدان نظام نظارت و ارزیابی دقیق، تغییرات مکرر مدیریتی، عدم تداوم در رویکردهای سیاستی و همچنین کمبود منابع مالی و انسانی، در مرحله تدوین باقی مانده و به‌طور کامل عملیاتی نشده‌اند. این وضعیت منجر به عدم تحقق اهداف کلان آمایش آموزش عالی و اتلاف منابع در فرآیند برنامه‌ریزی و اجرا شده است. در بعد محتوایی نیز، بی‌توجهی به نیازهای منطقه‌ای و ویژگی‌های بومی در فرآیند برنامه‌ریزی آمایشی یکی از چالش‌های مهم شناسایی شده است. سیاست‌های متمرکز و یکسان‌نگر در سطح ملی، بدون توجه کافی به تفاوت‌های فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی مناطق مختلف، موجب عدم تناسب میان ظرفیت دانشگاه‌ها و نیاز بازار کار محلی شده است. این امر علاوه بر ایجاد نابرابری‌های جغرافیایی، به کاهش کارایی نظام آموزش عالی در پاسخ‌گویی به نیازهای واقعی توسعه منطقه‌ای منجر شده است.

در مجموع، یافته‌ها نشان می‌دهد که برای دستیابی به موفقیت در اجرای آمایش آموزش عالی، ضروری است بر اصلاح سازوکارهای نهادی، ارتقای هماهنگی بین دستگاه‌ها، و تقویت نگاه منطقه‌محور در سیاست‌گذاری و اجرا تأکید شود.

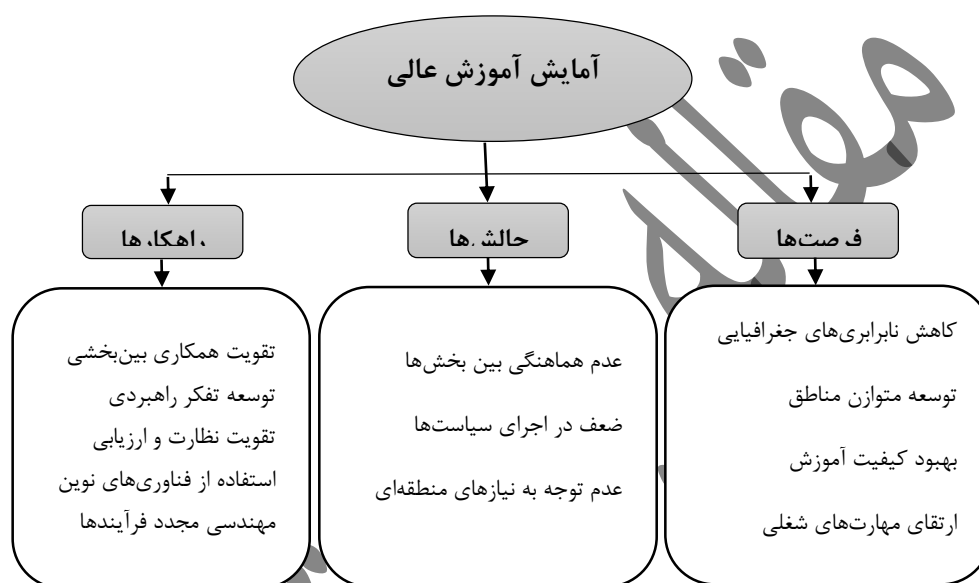
۲- فرصت‌های اجرای آمایش آموزش عالی

در کنار چالش‌ها، نتایج مرور نظام‌مند پژوهش‌های اخیر نشان می‌دهد که اجرای آمایش آموزش عالی می‌تواند فرصت‌های ارزشمندی را برای توسعه متوازن کشور فراهم آورد. یکی از مهم‌ترین این فرصت‌ها، کاهش نابرابری‌های جغرافیایی در دسترسی به آموزش عالی است. مطالعات نشان می‌دهند که اجرای موفق سیاست‌های آمایشی با توزیع متوازن مراکز دانشگاهی و تقویت زیرساخت‌های آموزشی در مناطق محروم، موجب افزایش عدالت آموزشی و کاهش تمرکز در کلان‌شهرها شده است. این امر، به ویژه در مناطق کمتر توسعه‌یافته، زمینه‌ساز افزایش فرصت‌های تحصیلی و ارتقای سطح سرمایه انسانی شده است. از سوی دیگر، اجرای آمایش آموزش عالی بستر مناسبی برای بهبود کیفیت آموزش فراهم می‌کند. توزیع بهینه منابع، تخصص‌گرایی در رشته‌ها، ارتقای صلاحیت اعضای هیئت علمی، و استقرار نظام‌های ارزیابی مستمر از جمله عواملی هستند که به افزایش رقابت‌پذیری آموزشی و کاهش مهاجرت تحصیلی دانشجویان به شهرهای بزرگ منجر شده‌اند. در بعد توسعه منطقه‌ای، آمایش فرصتی برای هم‌راستا کردن سیاست‌های علمی و آموزشی با ظرفیت‌های اقتصادی و محلی هر منطقه ایجاد می‌کند. این هم‌راستایی موجب شده است که دانشگاه‌ها نقش فعال‌تری در توسعه پایدار استان‌ها ایفا کرده و به‌عنوان موتور محرک اقتصاد دانش‌بنیان عمل کنند. یافته‌ها نشان می‌دهد که سیاست‌های آمایشی متناسب با ویژگی‌های محلی توانسته‌اند به توسعه متوازن مناطق مختلف کشور کمک کرده و علاوه بر بهبود دسترسی به آموزش، به تقویت اقتصاد محلی و کاهش نابرابری‌های اجتماعی نیز بینجامند. در نهایت، ارتقای مهارت‌های شغلی و کارآفرینی دانش‌آموختگان یکی از محورهای کلیدی در اجرای آمایش آموزش عالی است. تمرکز بر پیوند آموزش با بازار کار و نیازهای واقعی جامعه، می‌تواند به کاهش فاصله میان آموزش و اشتغال و در نتیجه افزایش بهره‌وری نیروی انسانی و اشتغال‌پذیری فارغ‌التحصیلان منجر شود. بنابراین، درک صحیح و بهره‌برداری مؤثر از این فرصت‌ها، مستلزم برنامه‌ریزی جامع، سیاست‌گذاری مبتنی بر داده و هماهنگی بین‌بخشی مؤثر در سطوح مختلف نظام آموزش عالی است.

۳- راهکارهای بهبود اجرای سیاست‌های آمایش آموزش عالی

بر اساس تحلیل یافته‌ها، مجموعه‌ای از راهکارهای مؤثر برای بهبود اجرای سیاست‌های آمایش آموزش عالی قابل استخراج است. در گام نخست، تقویت همکاری بین‌بخشی میان وزارتخانه‌ها، دانشگاه‌ها، نهادهای توسعه‌ای و بخش خصوصی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. ایجاد کارگروه‌های منطقه‌ای و سازوکارهای ارتباطی پایدار می‌تواند از موازی‌کاری‌ها جلوگیری کرده و هم‌افزایی بین دستگاه‌ها را افزایش دهد. این همکاری می‌تواند به کاهش تداخل در سیاست‌ها و افزایش اثربخشی برنامه‌های آمایشی کمک کند. همچنین، توسعه تفکر راهبردی در میان مدیران آموزش عالی به شدت احساس می‌شود. آمایش سرزمین با ارائه داده‌های جامع درباره فرصت‌ها و تهدیدهای منطقه‌ای، مدیران را قادر می‌سازد تا تصمیمات مؤثرتری اتخاذ کنند و سیاست‌گذاری‌ها را از حالت واکنشی به سوی برنامه‌ریزی هوشمند هدایت کنند. مدیرانی که توانایی تفکر راهبردی دارند، می‌توانند بر اساس تحلیل داده‌های منطقه‌ای اهداف بلندمدتی تعیین کنند که متناسب با ظرفیت‌ها و نیازهای محلی باشد و منجر به هماهنگی بهتر میان دانشگاه‌ها و بازار کار محلی شود. در حوزه نظارت، ایجاد نظام ارزیابی و پایش مستمر با شاخص‌های دقیق عملکردی می‌تواند شفافیت و پاسخ‌گویی را افزایش دهد. این سازوکارهای نظارتی امکان شناسایی چالش‌ها و اصلاح برنامه‌ها در طول اجرا را فراهم می‌کنند. علاوه بر این، به‌کارگیری فناوری‌های نوین مانند سامانه‌های داده‌محور، بانک‌های اطلاعاتی ملی، سیستم‌های GIS، آموزش مجازی و هوش مصنوعی ابزارهای مهمی برای تصمیم‌گیری علمی در تخصیص منابع و توسعه منطقه‌ای هستند. این فناوری‌ها به ویژه در مناطق محروم و کمتر توسعه‌یافته می‌توانند دسترسی به آموزش عالی را بهبود بخشیده و

نابرابری‌های جغرافیایی را کاهش دهند. در نهایت، مهندسی مجدد فرآیندها و ساختارهای اجرایی با هدف چابک‌سازی نظام آموزش عالی و تفویض اختیار به مناطق، می‌تواند بستر عملی تحقق اهداف آمایش را فراهم کند. بازطراحی فرآیندها و ساختارها به گونه‌ای که کارایی و اثربخشی افزایش یابد، می‌تواند شامل اصلاح فرآیند جذب دانشجویان، طراحی دوره‌های آموزشی متناسب با مهارت‌های اشتغال‌زا و تسریع روند تصمیم‌گیری در دانشگاه‌ها باشد. به‌طور کلی، موفقیت آمایش آموزش عالی مستلزم نوسازی مدیریتی، تحول فناورانه و تقویت فرهنگ همکاری در سطوح مختلف تصمیم‌گیری است.



شکل ۲- چالش‌ها، فرصت‌ها و راهکارهای اجرای آموزش عالی در نظام آموزش عالی ایران

۶. بحث و نتیجه‌گیری

این مقاله با مرور سیستماتیک مقالات مرتبط با آمایش آموزش عالی و تحلیل کیفی آن‌ها، به بررسی ابعاد مختلف این حوزه پرداخته است. نتایج نشان می‌دهد که آمایش آموزش عالی به‌عنوان یک رویکرد کلیدی در سیاست‌گذاری‌های آموزشی، نقش مهمی در کاهش نابرابری‌های جغرافیایی، توسعه متوازن مناطق و ارتقای کیفیت آموزش می‌تواند ایفا کند. این پژوهش به بررسی چالش‌های اجرای سیاست‌های آمایشی پرداخته است. یکی از مهم‌ترین چالش‌های شناسایی‌شده در این پژوهش، عدم هماهنگی بین بخش‌های مختلف است که منجر به تداخل در سیاست‌ها و کاهش اثربخشی برنامه‌های آمایشی شده است. این یافته با نتایج مطالعات قرونه و همکاران (۱۳۹۸) و نقی‌زاده (۱۳۹۸) همسو است که بر ضرورت هماهنگی بین‌بخشی برای تحقق اهداف آمایشی تأکید کرده‌اند. همچنین، ضعف در اجرای سیاست‌ها به دلیل نبود سازوکارهای نظارتی و ارزیابی دقیق، از دیگر چالش‌های اصلی است که در پژوهش‌های کاظمی و همکاران (۱۳۹۸) و قربانی و همکاران (۱۳۹۹) نیز مورد تأکید قرار گرفته است. علاوه بر این، عدم توجه به نیازهای منطقه‌ای در

برنامه‌ریزی‌های آمایشی، منجر به توزیع نامتوازن امکانات آموزشی و تشدید نابرابری‌های جغرافیایی شده است. این مسئله در مطالعات نجاری و حسنی (۱۳۹۹) و ایران‌دوست و سلیمانی (۱۳۹۸) نیز به‌عنوان یک چالش کلیدی مطرح شده است.

از سوی دیگر، فرصت‌هایی که آمایش برای آموزش عالی فراهم می‌کند نیز بررسی شده است. اجرای موفق سیاست‌های آمایشی می‌تواند به کاهش نابرابری‌های جغرافیایی در دسترسی به آموزش عالی کمک کند. این نتیجه با یافته‌های عرب و همکاران (۱۴۰۰) و نجاری و حسنی (۱۳۹۹) همخوانی دارد که بر نقش آمایش در افزایش دسترسی به آموزش عالی در مناطق محروم تأکید کرده‌اند. همچنین، آمایش آموزش عالی با توزیع بهینه منابع و امکانات آموزشی، به بهبود کیفیت آموزش در مناطق کمتر توسعه‌یافته کمک کرده است. این یافته با پژوهش‌های نظرزاده زارع (۱۴۰۲) و صالحی عمران (۱۳۹۹) همسو است که بهبود کیفیت آموزش و کاهش مهاجرت تحصیلی را از پیامدهای مثبت آمایش دانسته‌اند. علاوه بر این، سیاست‌های آمایشی با توجه به نیازها و ظرفیت‌های هر منطقه، به توسعه متوازن مناطق کمک کرده‌اند. این نتیجه با مطالعات قربانی و همکاران (۱۳۹۹) و آزادیان و همکاران (۱۴۰۱) مطابقت دارد که بر نقش آمایش در تقویت اقتصاد محلی و کاهش نابرابری‌های اجتماعی تأکید کرده‌اند. همچنین، توجه به ارتقای مهارت‌های شغلی و نیازهای بازار کار در طراحی برنامه‌های آموزشی، از دیگر تأثیرات مثبت آمایش آموزش عالی است که در پژوهش‌های صالحی عمران و رحمانی قهدریجانی (۱۳۹۲) و نجاری و حسنی (۱۳۹۹) نیز مورد تأیید قرار گرفته است.

در ادامه راهکارهایی به منظور بهبود وضعیت آموزش عالی ارائه شده است. از جمله مهم‌ترین راهکارها می‌توان به تقویت همکاری بین‌بخشی، توسعه تفکر راهبردی، تقویت نظارت و ارزیابی، استفاده از فناوری‌های نوین و مهندسی مجدد فرآیندها اشاره کرد. این راهکارها با نتایج تحقیقات دیگر محققان از جمله (خیری و همکاران ۱۳۹۷)، کاظمی و همکاران (۱۳۹۸) و کاوه و همکاران (۱۴۰۰) همسویی دارد.

بررسی مقالات سه دهه اخیر در حوزه آمایش آموزش عالی نشان می‌دهد که این حوزه هنوز نیازمند پژوهش‌های عمیق‌تر، جامع‌تر و کاربردی‌تری است. شکاف‌های موجود شامل موارد زیر هستند که پیشنهاد می‌گردد تحقیقات آینده در این موضوعات انجام شود:

- بیشتر مطالعات موجود به تأثیرات کوتاه‌مدت آمایش آموزش عالی پرداخته‌اند. تحقیقات بلندمدت برای بررسی تأثیرات پایدار این سیاست‌ها ضروری است.
- تحقیقات بیشتری نیاز است تا نقش فناوری‌های نوین (مانند هوش مصنوعی و آموزش مجازی) در کاهش نابرابری‌های جغرافیایی و بهبود دسترسی به آموزش عالی بررسی شود.
- تحقیقات کمی به مقایسه سیاست‌های آمایش آموزش عالی در ایران با سایر کشورها پرداخته‌اند. مطالعات تطبیقی می‌تواند راهگشا باشد.
- بیشتر تحقیقات بر عدالت در دسترسی به آموزش عالی تمرکز کرده‌اند، اما عدالت در کیفیت آموزش، فرصت‌های شغلی و مشارکت اجتماعی کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

در نهایت، این پژوهش سعی دارد تا با مطالعه چالش‌های موجود و ارائه راهکارهای پیشنهادی به ارتقای کیفیت نظام آموزش عالی کمک کند.

منابع

۱. آزادیان، سعید، قائدی، محمدرضا، شمس‌الدینی، علی، اسلامی، مهدی، رازقی، سعید، شایگان، محمدامین، رئیس، امین، زارعی، مهناز و بهروزی، رویا (۱۴۰۱). تحلیلی بر برنامه توسعه آمایش محیطی شهرستان‌های استان فارس با تأکید بر شاخص‌های آموزشی - فرهنگی. *فصلنامه علمی برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، ۱۲(۴۷)، ۱-۲۲.
۲. موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی (۱۳۹۵). طرح آمایش سرزمین در آموزش عالی (در چارچوب نقشه جامع علمی کشور)، چاپ ششم، ۱۳۹۴.
۳. آقاتباررودباری، جمیله، بریمانی، خدیجه، آقامیرزایی محلی، طاهره و صفاریان همدانی، سعید (۱۳۹۷). آمایش سرزمین، راهبردی برای توسعه آموزش عالی سلامت. *طب و تزکیه*، ۲۷(۲)، ۱۱۳-۱۲۳.
۴. آهنچیان، محمدرضا (۱۳۹۱). آمایش آموزش عالی و سیاست‌های توسعه علم و فناوری کشور: تحلیل گسست بر اساس تجربه‌نگاری. *سیاست علم و فناوری*، ۵(۱)، ۸۶-۷۳.
۵. ابراهیمی، علی، حسینی، محمدعلی، محمدخانی، کامران و رشادت‌جو، حمیده (۱۴۰۱). طراحی چارچوب بهبود کاربست برنامه‌ریزی آمایش سرزمین در توسعه آموزش‌های علمی-کاربردی. *توسعه‌ی آموزش جندی شاپور*، ۱۳(۳)، ۵۱۱-۵۲۵.
۶. انتظاری، اردشیر، هزارجریبی، جعفر، سهیل‌سرو، محمد و کرمی قهی، محمدتقی (۱۳۹۵). سیاست‌های توسعه آموزش عالی و پیامدهای آن بر اشتغال فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها. *فصلنامه علمی پژوهشی راهبرد اقتصادی*، ۵(۱۹)، ۲۰۲-۱۷۵.
۷. ایراندوست، کیومرث و سلیمانی، حبیب (۱۳۹۸). تحلیل نابرابری فضایی شاخص‌های آموزشی در استان‌های ایران و شناسایی عوامل کلیدی مرتبط با آن با رویکرد توسعه پایدار. *مطالعات برنامه‌ریزی آموزشی*، ۸(۱۶)، ۵۶-۸۱.
۸. بختیاری، مرضیه، موسی‌خانی، مرتضی و الوانی، سیدمهدی و حسینی، سیدرسول (۱۳۹۸). بکارگیری روش علم‌سنجی در راستای آمایش آموزش عالی برای توسعه کارآفرینی دانشگاهی. *فصلنامه مدیریت توسعه و تحول*، ۱۱(۳۸)، ۹-۱.
۹. بوذری، سیما (۱۴۰۱). رویکرد تحلیل فضایی در روند توسعه آموزش عالی. *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، ۲۱(۲)، ۱۰۵-۱۲۸.
۱۰. ثمری، عیسی و گرائی‌نژاد، غلامرضا (۱۳۹۲). نگاهی به جایگاه مفهومی آمایش آموزش عالی در آمایش سرزمین: راهنمایی برای "توسعه دانشگاهی". *آموزش عالی ایران*، ۵(۳)، ۱۴۲-۱۱۷.
۱۱. جهانبخش‌گنجه، صادق، جواهری، فاطمه و صالحی، صادق (۱۴۰۱). آموزش عالی ایران و محیط زیست پایدار از نگاه آگاهان کلیدی. *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ۲۳(۳)، ۷۹-۵۷.
۱۲. جهان‌دیده، اصغر، نسل سراجی، جبرائیل، کاظمی، زهرا، جبارزاده، مرتضی، قدردوست نخچی، الهام، ریاحی‌پور، زهرا، جمعه‌ای، مرضیه و عبدلی، زهرا (۱۳۹۷). بررسی وضعیت واحدهای علوم پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی در سال تحصیلی ۹۵-۹۶ با توجه به آمایش سرزمینی آموزش عالی سلامت. *طب و تزکیه*، ۲۷(۴) ویژه‌نامه دستاوردهای چهل ساله نظام آموزش عالی، ۳۱۱-۳۲۳.

۱۳. حبیبی بابادی، احمد، بهشتی فر، ملیکه و کاظمی، حسین (۱۴۰۱). شناخت و تحلیل کیفی چالش‌های آموزش عالی در ایران. *ماهنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران*، ۵(۱۱)، ۶۳۴۶-۶۳۶۸.
۱۴. حمدی، کریم و رزقی شیرسوار، هادی (۱۳۸۹). اهمیت توجه به توسعه فضایی آموزش عالی در برنامه‌ریزی راهبردی مدیریت شهری. *مطالعات مدیریت شهری*، ۲(۱)، ۳۹-۵۶.
۱۵. خیری، زهرا، حیدرزاده، آبتین، پورعباسی، عطاله و گیوریان، حسن (۱۳۹۷). ارائه الگوی همکاری بین بخشی برای اجرای مصوبه سیاست‌ها و ضوابط اجرایی آمایش آموزش عالی سلامت در جمهوری اسلامی ایران، چارچوب مطالعه. *طب و تزکیه*، ۲۷(۲)، ۸۳-۹۰.
۱۶. دربان آستانه، علی‌رضا، طهماسبی، سیامک و رضایی، پانید (۱۳۹۵). تحلیل الگوی نابرابری فضای آموزشی شهرستان‌های کشور. *مطالعات برنامه‌ریزی آموزشی*، ۵(۹)، ۳۱-۵۰.
۱۷. دهقان چاچکامی، دوست‌علی، ذوالفقاری زعفرانی، رشید و حنیفی، فریبا (۱۴۰۰). طراحی و تبیین مدل ارتقای کارآمدی منابع انسانی بر اساس مولفه‌های آمایش سرزمین (مورد مطالعه: موسسات آموزش عالی فنی، کشاورزی و علوم دریایی دانشگاه فنی و حرفه‌ای مازندران). *آموزش علوم دریایی*، ۸(۳)، ۱۸۱-۲۱۷.
۱۸. ذاکر صالحی، غلام‌رضا (۱۴۰۰). شهرهای دانش، شهرهای دانشگاهی و مطالعات آمایش سرزمین. *جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی*، ۸(۱۸)، ۳۴۹-۳۷۱.
۱۹. ساسان‌پور، فرزانه و حاتمی، افشار (۱۳۹۶). تحلیل فضایی رقابت‌پذیری آموزشی استان‌های کشور. *فصلنامه علمی-پژوهشی اقتصاد و مدیریت شهری*، ۵(۱۹)، ۴۵-۶۱.
۲۰. سلیمانی، علی‌رضا (۱۳۹۹). آمایش مراکز دانشگاهی: الگویی برای توسعه شهری خلاق (مطالعه موردی: دانشگاه‌های پیام نور شهرستان‌های میاندوآب و شاهین‌دژ). *فصلنامه علمی پژوهش‌های بوم‌شناسی شهری*، ۱۱(۲۲)، ۶۱-۷۴.
۲۱. سهیل‌سرو، محمد، هزارجریبی، جعفر، کرمی، محمد تقی و انتظاری، اردشیر (۱۳۹۸). نسبت سیاست‌های توسعه آموزش عالی و تقاضای اجتماعی. *برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، ۴۱، ۷۲-۳۳.
۲۲. شعبانی، احمد (۱۴۰۰). بررسی طرح آمایش آموزش عالی با تأکید بر آسیب‌شناسی گروه آموزشی علوم پایه. *نشاء علم*، ۱۱(۲) (پیاپی ۲۲)، ۱۲۴-۱۳۳.
۲۳. شفیعی تیلکی، محمد، متولی، صدرالدین و جانباز قبادی، غلام‌رضا (۱۴۰۱). ارزیابی و مکان‌یابی بهینه کاربری آموزش عالی در راستای توسعه پایدار (مطالعه موردی: دانشگاه آزاد واحد شهر ساری). *مهندسی جغرافیایی سرزمین*، ۶(۳)، ۶۶۱-۶۷۴.
۲۴. صالحی عمران، ابراهیم و رحمانی قهدریجانی، الهه (۱۳۹۲). مسأله اشتغال دانش‌آموختگان آموزش عالی و ضرورت توجه به مهارت‌های اشتغال‌زای بازار کار در طرح آمایش آموزش عالی. *آموزش عالی ایران*، ۵(۳)، ۵۸-۲۷.
۲۵. صالحی عمران، ابراهیم (۱۳۹۹). آمایش آموزش عالی در ایران: ملاحظات. *مطالعات برنامه‌ریزی آموزشی*، ۹(۱۸)، ۱۸۵-۱۹۴.
۲۶. طباطبایی، شیما (۱۳۹۳). ارزیابی دستاوردهای آموزش پزشکی تخصصی / فوق تخصصی ایران و آینده‌نگاری: لازمه توسعه هدفمند آموزش پزشکی تخصصی و فوق تخصصی در آینده. *طب و تزکیه*، ۲۳(۱)، ۴۵-۵۶.

۲۷. عابدی، قاسم، ملک‌زاده، رویا، عراقیان‌مجرد، فرشته و امیرخانلو، افشین (۱۳۹۸). ریفرم آمایش سرزمینی، تحول و نوآوری آموزش عالی سلامت در ایران. توسعه پرستاری در سلامت، ۱۰(۲)، ۱۵-۲۶.
۲۸. عرب، فاطمه، ضامن، فرشیده و عنایتی، ترانه (۱۴۰۰). تاثیر آمایش سرزمین بر عدالت آموزشی با رویکرد آموزش عالی سلامت. *تعالی بالینی*، ۱۱(۳)، ۲۲-۳۴.
۲۹. عرب، فاطمه، ضامن، فرشیده و عنایتی، ترانه (۱۴۰۰). تاثیر آمایش سرزمین با رویکرد آموزش عالی سلامت بر توسعه پایدار و عدالت آموزشی دانشگاه‌های علوم پزشکی کلان منطقه یک. *مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی*، ۲۱، ۴۰۷-۴۱۷.
۳۰. قربانی، رامین، زیاری، کرامت‌الله، سجودی، مریم، فرهادی، ابراهیم و عبدالله حسین، شاخوان. (۱۳۹۹). تحلیل برهم‌کنش کارکرد آموزش عالی و صنعت در ایران از منظر آمایش سرزمین. *آمایش سرزمین*، ۱۲(۲)، ۴۷۹-۵۱۹.
۳۱. قرونه، داوود، حیدری تاشه کبود، اکبر و ثنایی‌پور، فاطمه (۱۳۹۸). آسیب‌شناسی آمایش آموزش عالی در ایران؛ اولین گام حکمرانی منطقه‌ای. *رهیافت*، ۲۹(۷۵)، ۴۳-۵۳.
۳۲. کاظمی، زهرا، نسل سراجی، جبرائیل و یزدانی، شهرام (۱۳۹۸). بررسی و تبیین میزان موفقیت اجرای سند آمایش سرزمینی آموزش عالی سلامت. *طب و تزکیه*، ۲۸(۴)، ۲۶-۴۰.
۳۳. کاوه، کیانا، احمدی، امینه و معظمی، مجتبی (۱۴۰۰). ارائه مدل ارتقای بهره‌وری مدیران مبتنی بر بازمهندسی و آمایش آموزش عالی. *مطالعات آموزشی و آموزشگاهی*، ۴(۲۹)، ۴۲۷-۴۴۷.
۳۴. کریمی‌ان، زهرا و فرخی، مجیدرضا (۱۳۹۷). هشت گام توسعه آموزش مجازی در طرح تحول و نوآوری آموزشی دانشگاه‌های علوم پزشکی، مروری بر یک تجربه. *طب و تزکیه*، ۲۷(۳)، ۱۰۱-۱۱۲.
۳۵. ملک‌زاده، رویا، عابدی، قاسم و رضایی، محمدصادق و یزدانی، پونه (۱۳۹۶). روند استقرار آمایش سرزمینی و تحول و نوآوری آموزش عالی سلامت در ایران. *تعالی بالینی*، ۷(۱)، ۶۳-۴۹.
۳۶. ملکی، سعید و احمدی، رضا و ترابی، ذبیح‌الله (۱۳۹۳). سطح‌بندی توسعه آموزشی در شهرستان‌های استان خوزستان. *مطالعات برنامه‌ریزی آموزشی*، ۲(۴)، ۱۶۷-۱۹۷.
۳۷. موسی کاظمی، سیدمهدی، رهنمایی، محمدتقی، فیروزنیا، قدیر و گلپایگانی، محسن (۱۳۹۲). تحلیل عملکرد فضایی مراکز آموزش عالی در توسعه پایدار فرهنگ شهری کلان‌شهر تهران. *مجله آمایش جغرافیایی فضا*، ۳(۸)، ۴۷-۶۷.
۳۸. مهرعلی‌زاده، یدالله، کرد زنگنه، آزاده و همایون‌نیا، آنیتا (۱۳۹۲). آسیب‌شناسی آمایش آموزش عالی ایران: تحلیلی از تجربیات آمایش آموزش عالی قبل و بعد از انقلاب اسلامی ایران. *آمایش عالی ایران*، ۵(۱)، ۱۳۲-۹۳.
۳۹. نجاری، مهدی و حسنی، محمد (۱۳۹۹). تبیین نابرابری جغرافیایی فرصت‌های دسترسی به آموزش عالی و ارائه مدل به منظور آمایش و نیل به عدالت آموزشی (مطالعه موردی: شهرستان‌های استان آذربایجان غربی). *پژوهش‌های جغرافیایی انسانی*، ۵۲(۱)، ۱۶۵-۱۸۰.
۴۰. نسل سراجی، جبرائیل، جهان‌دیده، اصغر، اجاقی، علی محمد و جمعه‌ای، مرضیه (۱۳۹۶). آمایش سرزمینی آموزش عالی سلامت در جمهوری اسلامی ایران. *طب و تزکیه*، ۲۶(۱)، ۲۱-۳۲.

۴۱. نظرزاده زارع، محسن (۱۴۰۲). بحران کاهش تقاضا در رشته‌های علوم، فناوری، مهندسی و ریاضیات در نظام دانشگاهی ایران: شناسایی راهکارها. *فصلنامه آموزش مهندسی ایران*، ۲۵ (۹۹)، ۴۳-۶۳.
۴۲. نقی‌زاده، رضا (۱۳۹۸). بررسی راهکارهای عملیاتی‌سازی مدیریت منطقه‌ای در سند آمایش آموزش عالی کشور. *رهیافت*، ۲۹ (۷۵)، ۱۹-۲۵.
۴۳. نیلی، محمدرضا (۱۳۹۲). برنامه‌ریزی مبتنی بر آمایش در آموزش عالی (الزام‌ها، چالش‌ها و راهکارها): مطالعه موردی آمایش آموزش عالی استان اصفهان. *آموزش عالی ایران*، ۵ (۳)، ۲۶-۱.
۴۴. وحیدی، پری‌دخت (۱۳۷۳). آمایش سرزمین: راهنمایی برای برنامه‌ریزی آموزش عالی. *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، ۲ (۳-۴).
۴۵. وحیدی، پری‌دخت (۱۳۷۴). ارزیابی مطالعات آمایش سرزمین ایران در ارتباط با آموزش عالی. *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، ۳ (۲).

1. Asheim, B. T., & Gertler, M. S. (2005). The geography of innovation: Regional innovation systems. In J.
2. Ayeni, O., Eden, C., Ayeni, O. O., & Eden, C. A. (2024). Equity and access in higher education: Legal perspectives and management strategies. *International Journal of Science and Research Archive*, 11(2), 199-206.
3. Barnett, R. (2018). *The Ecological University: A Feasible Utopia*. Routledge, Taylor & Francis Group.
4. Bolay, J. C., Pedrazzini, Y., Rabinovich, A., Catenazzi, A., & Pleyán, C. G. (2005). "Urban environment, spatial fragmentation and social segregation in Latin America: Where does innovation lie?" *Habitat International*, 29(4), 627-645.
5. Brundiers, K., Wiek, A., & Redman, C. L. (2010). Real-world learning opportunities in sustainability: From classroom into the real world. *International Journal of Sustainability in Higher Education*, 11(4), 308-324.
6. Chatterton, P., & Goddard, J. (2000). The response of higher education institutions to regional needs. *European Journal of Education*, 35(4), 475-496.
7. Davoudi, S., & Pendlebury, J. (2010). Centenary paper: The evolution of planning as an academic discipline. *Town Planning Review*, 81(6), 613-645
8. Deng, X., Liang, L., Wu, F., Wang, Z., & He, S. (2022). "A review of the balance of regional development in China from the perspective of development geography." *Journal of Geographical Sciences*, 32(1), 3-22.
9. Etzkowitz, H., & Leydesdorff, L. (2000). The dynamics of innovation: From national systems and "Mode 2" to a triple helix of university-industry-government relations. *Research Policy*, 29(2), 109-123.
10. Fischer, D., Jenssen, S., & Tappeser, V. (2015). Getting an empirical hold of the sustainable university: a comparative analysis of evaluation frameworks across

- 12 contemporary sustainability assessment tools. *Assessment & Evaluation in Higher Education*, 40(6), 785-800.
11. Friedmann, J. (1966). *Regional development policy: A case study of Venezuela*. MIT Press.
12. Goddard, J., & Vallance, P. (2013). *The university and the city*. Routledge.
13. Gomes, E., Costa, E. M. D., & Abrantes, P. (2024). "Spatial planning and land-use management." *Land*, 13(1), 94.
14. Higgins, J. P. T., & Green, S. (2011). *Cochrane handbook for systematic reviews of interventions*. Wiley-Blackwell.
15. Kuanyshbayeva, S., Rakhmetova, G., Abdullayev, I., Levichev, O., Levicheva, S., Aitkazina, M., & Shichiyakh, R. (2025). Integrating Spatial Planning and Land Use Administration for Sustainable Development. *International Journal of Sustainable Development & Planning*, 20(3).
16. Petticrew, M., & Roberts, H. (2006). *Systematic reviews in the social sciences: A practical guide*. Blackwell Publishing.
17. PRISMA. (2020). *Preferred reporting items for systematic reviews and meta-analyses*.
18. Priyadarshini, P., & Abhilash, P. C. (2022). Rethinking of higher education institutions as complex adaptive systems for enabling sustainability governance. *Journal of Cleaner Production*, 359, 132083.
19. Reimers, F. M. (2024). "The sustainable development goals and education: Achievements and opportunities." *International Journal of Educational Development*, 104, 102965.
20. Soja, E. W. (2010). *Seeking spatial justice*. University of Minnesota Press.
21. Ul Hassan, M., Murtaza, A., & Rashid, K. (2025). Redefining higher education institutions (HEIs) in the era of globalisation and global crises: A proposal for future sustainability. *European Journal of Education*, 60(1), e12822.